عکس: ایرنا

نگاهی به سرگذشت زبان‌های ایرانی

تکلم شوندگانِ زنده

کیوان محمودی | کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی

نیای زبان فارسی که امروز به آن سخن می‌گوییم چه زبان یا زبان‌هایی بوده است؟ چه گواهی و مدارکی از آنها بازمانده است؟ زبان‌های ایرانی از گذشته تا حال چه دگرگونی‌هایی را از سر گذرانده‌اند؟

زبان هم مانند موجودی زنده در حال دگرگونی است و این تغییرات بر اثر تلاطم‌های سیاسی، اجتماعی، دینی و فرهنگی و ... اتفاق می‌افتد. گاه به شکل نسبتا ناگهانی و گاه چنان آهسته که دهه‌ها و قرن‌ها باید زمان بگذرد تا زبان ظاهر کاملا متفاوتی به خود بگیرد. حال تصور کنید که در تونل زمان، به ۲۵۰۰ یا ۳۰۰۰ سال پیش بازگردیم. اجداد ما به چه زبان‌هایی سخن می‌گفته‌اند؟ زبان فارسی چه تفاوت‌هایی با فارسی امروز ما داشته است یا حتی زمانی دورتر و قدیمی‌تر از این؟ آیا برای این پرسش‌ها پاسخی داریم؟

خانواده زبان‌های ایرانی

زبان‌های ایرانی دسته‌ای از گروه زبان‌های هندواروپایی است. هندواروپایی نامی است که پژوهشگران به اقوامی داده‌اند که در حدود ۶۰۰۰ سال پیش در جایی حدود جنوب روسیه امروز و اطراف دریاچه آرال و قفقاز می‌زیسته‌اند و زبانی که به آن سخن می‌گفتند هندواروپایی آغازین نام گرفته است.

زبان هندواروپایی چگونه کشف شد؟

افتخار کشف زبانی که بعدها هندواروپایی نامیده شد، متعلق به سر ویلیام جونز، ادیب، خاورشناس و زبان‌شناس مشهور انگلیسی است. او با تسلط به زبان‌های فارسی، عربی، یونانی و لاتینی در سال ۱۷۸۳ به‌عنوان قاضی به دیوانعالی بنگال در کلکته هندوستان فرستاده شد و از این فرصت برای یادگیری زبان سنسکریت هم استفاده کرد. او سه‌سال بعد از حضورش در هندوستان در سخنرانی مشهور خود، هم‌خانواده بودن زبان سنسکریت را با زبان‌های ژرمنی، لاتینی و یونانی به اثبات رساند. البته نظر جونز این بود که زبان سنسکریت از همه این زبان‌ها کهنه‌تر است و جد مشترک آنها به‌شمار می‌رود. تحقیقات دانشمندان بعدی، نظر جونز درباره خویشاوندی این زبان‌ها را تأیید کرد، اما معلوم شد که سنسکریت خاستگاه این زبان‌ها نیست و خود نیز شاخه‌ای از یک زبان اصلی مادر و فراموش‌شده است. این زبان مادر «هندواروپایی» نامیده شد.

سر ویلیام جونز

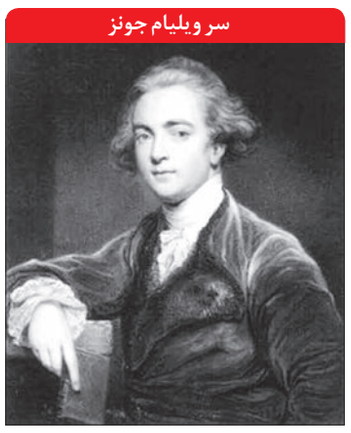

زبان هندواروپایی چگونه مطالعه می‌شود؟

از دوره‌ای که زبان هندواروپایی آغازین زنده بوده و به آن گفت‌وگو می‌شده است، به دلیل نبود خط، هیچ سند و مدرک مکتوبی باقی نمانده و به دست ما نرسیده است. از این‌رو، برای پی بردن به واژگان و دستور این زبان جز مقایسه و بررسی زبان‌های جدا شده از آن راه دیگری نداریم. فرآیند بازسازی زبان هندواروپایی، گسترده، تخصصی و پرشاخ و برگ است، اما برای درک بهتر خوانندگان نمونه ساده‌ای از بازسازی واژه «هفت» را در این جا نشان می‌دهیم.

سنسکریت	sapta
یونانی	hepta
لاتینی	septem

حال با استفاده از مقایسه این زبان‌ها و اولویت دادن به آواهای پرتکرارتر به بازسازی واژه «هفت» در هندواروپایی دست می‌زنیم.

	1	2	3	4	5	6
سنسکریت	s	a	p	t	a	
یونانی	h	e	p	t	a	
لاتینی	s	e	p	t	e	m
آواهای پربسامد	s	e	p	t	a	

پس با توجه به آواهای پربسامدتر صورت بازسازی‌شده برای زبان مفروضی که سنسکریت، یونانی و لاتینی از آن منشعب شده‌اند «Septa» خواهد بود.

مقایسه واژه «مادر» در زبان هندواروپایی و نمونه‌هایی از شاخه‌های جدا شده از آن را در نمودار زیر ملاحظه می‌کنید.

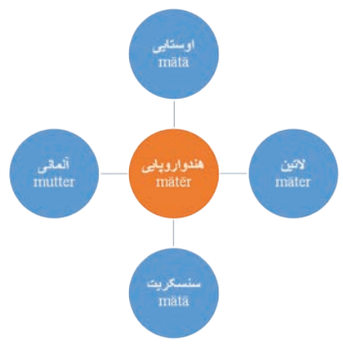

زبان‌های هندواروپایی و شاخه زبان‌های هندوایرانی

از اواخر هزاره سوم پیش از میلاد مسیح بنا به دلایلی این مردمان از خاستگاه اولیه خود مهاجرت کردند. مسیر مهاجرت گروه‌هایی از آنها به سوی غرب و اروپا و دسته‌ای دیگر رو به مشرق و جنوب بود و درنهایت در سرزمین‌هایی از جنوب آسیا تا شمال اروپا پراکنده شدند. گروهی از اقوام هندواروپایی که به سرزمین‌های امروزی هند و ایران آمدند، اصطلاحا «هندوایرانی» نامگذاری شده‌اند و بنا بر همین قاعده، زبانی را که این اجداد مشترک ایرانیان و هندی‌های دوران بعد به آن سخن می‌گفتند، زبان هندوایرانی نامیدند. این زبان تنها یکی از شاخه‌های جدا شده از زبان هندواروپایی آغازین بود. مهم‌ترین شاخه‌های دیگر عبارت بودند از: یونانی، آلبانی، ایتالی، هیتی، تخاری، ارمنی، اسلاوی و ژرمنی.

پس زبان هندوایرانی زبان قومی بوده است که بعدها هندیان و ایرانیان از آنها جدا شدند.

زبان‌های ایرانی

زبان‌های ایرانی را به‌طور کلی از نظر تاریخی به سه دوره تقسیم می‌کنند.

ایرانی باستان: از هزاره دوم پیش از میلاد تا کمی پس از انقراض سلسله هخامنشی به دست اسکندر مقدونی (۳۳۰ پیش از میلاد) در میان اقوام ایرانی رواج داشت.

ایرانی میانه: پس از فروپاشی هخامنشیان تا چند قرن پس از زوال ساسانیان (۶۵۱ میلادی) شایع بود.

ایرانی نو: زبان‌هایی هستند که پس از فتوحات اسلامی در ایران، تدریجا در نواحی مختلف پدیدار شدند که تا امروز هم با تغییر و تحولاتی کم و بیش ادامه یافته‌اند.

زبان ایرانی باستان

در این دوران به زبان‌های متعددی در نواحی مختلف ایران صحبت می‌شده است که فقط از چهار نمونه آنها کم‌وبیش مدارکی به شکل مستقیم یا غیرمستقیم در دست داریم. می‌توان از تعداد زیادتر زبان‌هایی نظیر سَکایی میانه (ختنی)، سُغدی، بلخی و .. که در دوران تاریخ میانه زبان‌های ایرانی به آنها برخورد می‌کنیم به این نتیجه‌گیری منطقی رسید که صورت‌های باستانی این زبان‌ها (مثلا سُغدی باستان) وجود داشته‌اند که سند مکتوبی از آنها به جای نمانده است.

زبان اوستایی

زبانی است که کتاب مقدس زرتشتیان، «اوستا» بدان نوشته شده است. اوستایی که امروز به ما رسیده است، یک چهارم اوستای دوران ساسانی بوده و در گذر زمان و حوادث گوناگون بخش‌های زیادی از آن نابود شده است. با این حال، همین قسمت‌های باقیمانده نیز دارای اهمیت فراوان است. مطالعات زبان‌شناسی نشان می‌دهد متون اوستایی در زمان‌های مختلف و توسط اشخاص متعددی نگاشته شده است. قدیمی‌ترین بخش اوستا سرودهای مذهبی «گاهان» و مجموعا ۱۷ سرود است که پژوهشگران آنها را کلام خود زرتشت دانسته‌اند. براساس شباهت گویش گاهانی و نزدیکی آن با زبان کتاب مقدس هندیان «ریگ‌وِدا» زمان زندگی زرتشت را در حدود هزاره نخست پیش از میلاد مسیح تخمین زده‌اند. با توجه به ویژگی‌های زبانی و اشارات جغرافیایی متون اوستایی، مکان زندگی زرتشت به احتمال زیاد در نواحی شرقی ایران بزرگ و در حدود خوارزم قدیم بوده است. الفبایی که این زبان به آن نوشته شده است «دین دبیره» نام دارد و دارای ۵۳ حرف است. این تعداد حروف امکان قرائت دقیق متون اوستایی را فراهم می‌آورده و منظور از ابداع آن نیز همین هدف بوده است.

نمونه یک متن اوستایی

زبان مادی

از زبان مادی فقط چند واژه که اسم اشخاص، قبایل و مکان‌ها هستند در کتیبه‌های آشوری و بابلی (پیش از هخامنشیان)، فارسی باستان، اسناد آرامی و عیلامی و متون یونانی باقی مانده است.

زبان سَکایی

سَکاها قبایل ایرانی تبار و چادرنشینی بودند که در قلمرو وسیعی از سواحل شمالی دریای سیاه در غرب تا مرزهای شمالی چین در شرق پراکنده بودند. تنها آثار بازمانده این زبان، اسامی اشخاص، مکان‌ها و قبایل در کتیبه‌ها و آثار مورخان یونانی است. نام چند مکان، تپه و رودخانه در اوکراین و جنوب روسیه نیز از زبان سکایی آمده است. با مقایسه این بازمانده‌ها با آثار باقیمانده از اوستایی و فارسی باستان می‌توان برخی واژه‌های این زبان را بازسازی کرد.

نمونه یک متن فارسی باستان

زبان مادی

از زبان مادی فقط چند واژه که اسم اشخاص، قبایل و مکان‌ها هستند در کتیبه‌های آشوری و بابلی (پیش از هخامنشیان)، فارسی باستان، اسناد آرامی و عیلامی و متون یونانی باقی مانده است.

زبان سَکایی

سَکاها قبایل ایرانی تبار و چادرنشینی بودند که در قلمرو وسیعی از سواحل شمالی دریای سیاه در غرب تا مرزهای شمالی چین در شرق پراکنده بودند. تنها آثار بازمانده این زبان، اسامی اشخاص، مکان‌ها و قبایل در کتیبه‌ها و آثار مورخان یونانی است. نام چند مکان، تپه و رودخانه در اوکراین و جنوب روسیه نیز از زبان سکایی آمده است. با مقایسه این بازمانده‌ها با آثار باقیمانده از اوستایی و فارسی باستان می‌توان برخی واژه‌های این زبان را بازسازی کرد.

ویژگی‌های زبان‌های ایرانی باستان

در زبان‌های ایرانی باستان برخلاف زبان فارسی امروزی، اسم‌ها دارای ۳ جنسیت مذکر، مونث و خنثی و سه شمار مفرد، مثنی و جمع بودند. برای نشان دادن نقش دستوری علاوه بر افعال، اسم‌ها، صفات و ضمایر هم در حالت‌های مختلفی صرف می‌شدند؛ به‌عنوان مثال در زبان اوستایی در ۸ حالت و در زبان فارسی باستان در ۷ حالت اسم‌ها و صفات و ضمایر صرف می‌شوند. در زبان فارسی امروز (فارسی نو) برای نشان دادن نقش مفعول از حرف اضافه «را» یا برای حالت اضافی از نشان کسره بهره می‌گیریم، اما در فارسی باستان کلمه مرد در حالت فاعلی martiya و در نقش مفعولی martiyam و در حالت اضافی martiyahyā خواهد بود. حال باید در نظر گرفت که اگر مثلا اسم مثنی و مونث باشد، باز این صرف‌ها تغییر خواهد کرد و یک اسم یا صفت و ضمیر چه حالت‌های متنوعی خواهد داشت.

زبان‌های ایرانی میانه

پس از سقوط سلسله هخامنشی به دست اسکندر مقدونی، دوره میانه زبان‌های ایرانی آغاز می‌شود. البته این زمان‌بندی قراردادی و فرضی بوده و هیچ زبانی به یکباره و ناگهانی تغییر نمی‌کند. تحول زبان فارسی باستان به فارسی میانه از اواخر حکمرانی هخامنشیان آغاز شده بود و تا چند قرن پس از انقراض آنها نیز ادامه یافت، اما به جهت طبقه‌بندی زبانی ناچاریم مقطع خاص زمانی را به‌عنوان جداکننده دوران تاریخی این زبان‌ها در نظر بگیریم.

زبان‌های ایرانی میانه به دو دسته شرقی و غربی تقسیم شده‌اند که مهم‌ترین آنها را در طبقه‌بندی زیر ملاحظه می‌کنید.

زبان فارسی دری که پس از اسلام قرن‌هاست به‌عنوان زبان ملی و اداری ایران‌زمین به‌کار می‌رود، ادامه زبان فارسی میانه است که در رده زبان‌های ایرانی میانه غربی قرار می‌گیرد. عمده‌ترین دگرگونی که در گذر تاریخ از زبان فارسی باستان به فارسی میانه روی داد، از میان رفتن نظام صرف اسم‌ها بود. ۸ حالت صرفی ابتدا بدل به ۲ حالت شد و سپس تمایز میان این دو نیز از میان رفت. جنس کلمات نیز محو شد و با حذف شمار مثنی، دو شمار مفرد و جمع باقی ماند. در حقیقت بیشترین تحول در زبان فارسی از فارسی باستان به فارسی میانه رخ داد و تحول از فارسی میانه به فارسی نو که زبان امروز ما ایرانیان است به نسبت دگرگونی‌هایی که از فارسی باستان به فارسی میانه اتفاق افتاده قابل ملاحظه نیست. آثار بازمانده فارسی میانه یا اصطلاحا «پهلوی» عمدتا ادبیات دینی زرتشتی است که خود از تنوع زیادی برخوردارند و به خطی با منشأ آرامی نوشته شده‌اند.

نمونه‌ای از خط فارسی میانه زرتشتی (پهلوی)

مدارک دیگر کتیبه‌های شاهان ساسانی، نوشته‌های روی جام‌ها، مُهرها، سکه‌ها و همین‌طور متون مذهبی پیروان مانی را شامل می‌شود.

زبان‌های ایرانی نو

زبان‌هایی هستند که پس از سقوط ساسانیان و ورود اسلام به ایران، با گذشت زمان در مناطق مختلف پدیدار شدند و تعدادشان به صدها عدد می‌رسد. مهم‌ترین آنها عبارتند از ۱- پشتو (شرق افغانستان) ۲- کردی (پهنه وسیعی از غرب ایران، شمال عراق و سوریه و جنوب شرقی ترکیه) ۳- آسی (قسمت‌هایی از قفقاز) ۴- یغنابی (دره یغناب تاجیکستان) ۵- مونجانی (شمال شرق افغانستان) ۶- ارموری (جنوب افغانستان و شمال پاکستان) ۷- کومزاری (جنوب خلیج فارس و شمال شبه‌جزیره عربستان) ۸- پامیری (بخش‌هایی از افغانستان و تاجیکستان) ۹- بلوچی (در میان بلوچ‌های ایران و پاکستان) ۱۰- تاتی (در آذربایجان و داغستان و اران) ۱۱- تالشی (جنوب غربی دریای مازندران و قفقاز) ۱۲- گیلکی (گیلان و دیلم) ۱۳- طبری (مازندران) ۱۴- لری و بختیاری (لرستان و در میان طوایف بختیاری).

گویش‌های ایالت فارس نظیر سیوندی، پاپونی، بورینگونی، ماسرمی و لاری و گویش‌های نواحی مرکزی ایران مشتمل بر گویش‌های مختلف سمنان (لاسگردی، سرخه‌ای، شهمیرزادی و سنگسری) و همچنین گویش‌های نواحی میان کاشان و اصفهان (محلات، خوانسار، جوشقان، لیمه، زفره، کشه و ...) و درنهایت گویش‌هایی نظیر یزدی، نائینی، انارکی، گویش نطنزی، گویش خوری و...

سخن آخر

سخن از سرگذشت زبان‌های ایرانی را پژوهشگران و دانشمندان در قالب رسالات متعدد و کتب مختلف زمانی نزدیک به دو قرن است که بازگفته‌اند و پژوهیده‌اند و طبیعتا این امکان وجود ندارد تا در این یادداشت حتی مروری درخور بر آنها داشته باشیم. زبان مهم‌ترین وسیله ارتباطی انسان و پایه اغلب نهادهای اجتماعی است و از این‌رو، بازتاب‌دهنده طرز تفکر و جهان‌بینی مردمی است که به آن زبان سخن می‌گویند. به همین دلیل است که برای بازسازی و شناخت گذشته در کنار منابع تاریخ سیاسی یا کاوش‌های باستان‌شناسی و بازمانده‌های مادی و معماری باقیمانده از دوران‌های مختلف تاریخی، توجه و پژوهش در مطالعات زبانی نیز پرارزش و بااهمیت است. زبان هم مانند آثار فرهنگی ملموس و مادی، میراثی از گذشته است و نیاز به حفاظت، حراست و مستندسازی دارد. متاسفانه همانند آسیب و تخریب یادمان‌های تاریخی، زبان‌ها و گویش‌های مختلف نه‌تنها در ایران که در سراسر جهان در معرض فراموشی و نابودی است. در عصر انفجار و گردش اطلاعات، مدرنیزاسیون و توسعه شهرنشینی، تنوع فرهنگی و زبانی با خطر بیش از پیش مواجه است و اگر واقع‌بین باشیم، حفظ و حراست دایمی از همه این تنوع با آنچه در دنیای امروز جریان دارد، متاسفانه شدنی نیست، پس باید بکوشیم تا آن‌جا که در توان داریم به ضبط و مستندنگاری این سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی کشورمان بپردازیم. امری که فرهنگستان زبان و ادب فارسی و پژوهشکده زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون سازمان میراث فرهنگی کشور در حد توان خود برای آن تلاش می‌کنند و چه شایسته است که اقشار مختلف مردم با آموزش و آگاهی بیشتر به یاریشان بشتابند تا پاسدار این میراث بزرگ نیاکان خود باشیم. این چنین باد.

منابع و ماخذ

- باقری، مهری، تاریخ زبان فارسی، چاپ نهم، تهران، نشر قطره، ۱۳۸۳
- باقری، مهری، مقدمات زبان‌شناسی، چاپ هشتم، تهران، نشر قطره، ۱۳۸۴
- رضائی باغ بیدی، حسن، تاریخ زبان‌های ایرانی، چاپ دوم، تهران، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۸

نگاهی به «میراث زبانی»؛ یادگار اندیشه‌ورزی بشری

سرزمین تنوع زبان

علی رنگچیان | عضو هیأت علمی دانشکده هنر دانشگاه سمنان

زمان‌هایی که از خیابان شیرمرد عبور می‌کنم و عابرانی از کنارم می‌گذرند که اغلب نیز به زبان ارمنی صحبت می‌کنند، احساس خوبی دارم. به‌خصوص هنگامی که صدای بلند شاطر ترک‌زبانی را که با همکارش در حال گفت‌وگوست، هنگام عبور از مقابل نانوایی می‌شنوم و هنوز طنین آهنگ ارمنی در گوشم می‌پیچد که مکالمه کردزبانان میوه‌فروشی بزرگ انتهای خیابان با نوای آهنگینش به گوشم می‌خورد.

ایران به خاطر وجود و تنوع زیاد زبان و لهجه‌های بومی در نقاط مختلف کشور، جزو کشورهای آسیب‌پذیر جهان از نظر زبانی به شمار می‌آید. در ایران ۶ زبان اصلی براساس تعداد گویشگران وجود دارد که عبارتند از فارسی، ترکی، کردی، بلوچی، ارمنی و عربی. اما رقم دقیق‌تر تعداد زبان‌ها و گویش‌ها در ایران درحدود ۲۰۰ زبان و لهجه است که برخی از آنان گویشگری درحدود ۲۰نفر دارند و به شدت درخطر از بین رفتن هستند.

حال از بین رفتن یک زبان چه خطری دارد؟ اتفاقا برخی معتقدند یکپارچگی زبانی می‌تواند به نزدیکی اقوام و ملل منجر شود و به افزایش فهم متقابل انسان‌ها از یکدیگر بینجامد، اما آنچه در این میان مغفول می‌ماند، دانشی است که در بستر یک زبان شکل گرفته و با از بین رفتن آن برای همیشه محو خواهد شد.

ادبیات و فولکلور و دانش منطقه‌ای و بومی، همه در گستره زبان جاری است و با از بین رفتن یک زبان بسیاری از این اطلاعات نابود خواهد شد. ملت‌ها وقتی تکثر و تنوع زبانی دارند، این تنوع، تمام تجربه‌های همه افراد در زندگی را متکثر، خلاق و دوست‌داشتنی‌تر می‌کند و اجازه نمی‌دهد تعصب و خشک‌اندیشی و جزمیت در احساس و نگرش آنها حاکم شود.

تنوع زبان، تنوع درشیوه‌های زندگی اجتماعی را موجب می‌شود. این تنوع شیوه‌های زیست جمعی، زندگی در آن جامعه را جالب‌تر و جذاب‌تر می‌کند، زیرا مانع از یکنواختی و ملال در زندگی روزمره می‌شود. در محیط‌های چندزبانی، پویایی و خلاقیت بیشتر است. چند زبانی راه زیستن جمعی پویاست.

زبان نه‌تنها برای زندگی روزمره و ارتباط بین فردی بلکه برای کل سرنوشت هرجامعه و جمعی اهمیت اساسی دارد. زبان تنها ابزار «تولید پیام» نیست، بلکه مهم‌تر از آن زبان «تولید قدرت» می‌کند. همه ملت‌ها و اقوام براساس «زبان تاریخی» و قومی‌شان باید قدرت داشته باشند.

* بخشی از این مطلب از سایت فرهنگ‌شناسی دکتر نعمت‌الله افاضلی برگرفته شده است.